

میرزا رحیم قلاح

میرزا تقی‌خان مظهر وطن‌پرستی بود، یعنی همان اصلی‌که در ایران مجهول است. آنچه می‌دادند و او نمی‌گرفت خرج معدوم کردن وی شد. (دکتر سیلاک انگلیسی) نام میرزا تقی‌خان امیر کبیر نه تنها در تاریخ میهن ما با غرور و افتخار آمیخته است، بلکه دشمنان او و کسانی هم که وجود امیر مانع اجرای نقشه‌های شیطانی و شوم آنان می‌شد، از جمله مأموران سفارتخانه‌های خارجی ناگزیر از ابراز احترام به این شخصیت ارزنده دوران قاجار بودند. در دورانی که سرسپردگی و حقوق‌گیری از سفارتخانه‌های روس، انگلیس و عثمانی برای قریب بالافتاق رجال وقت، امری عادی و حتی افتخارآمیز تلقی می‌شد، امیر کبیر نه تنها این سنت شوم را در هم شکست، بلکه چنانکه اشاره شد بنا به گفته دکتر پلاک انگلیسی: «پول‌هایی را که می‌خواستند به صورت رشوه به وی بدهند و نامش را در ردیف لیست حقوق‌گیران ثبت نمایند و نمی‌گرفت، به ناچار به مصرف ناپود کردن وی رساندند.» اجانب، خائنان و فاسدان داخلی او را کشتند تا این سد بزرگ و مقاوم را از راه توسعه نفوذ و تسلط شوم خود در ایران بردارند. ■■■

بدون تردید میرزا تقی‌خان امیر کبیر، یکی از چهره‌های درخشان و تابناک دوران قاجار است که اگر به دست دژخیمان ناصرالدین شاه کشته نشده بود، چه بسا سرنوشت ایران را دچار تحول مهمی می‌ساخت. میرزاقی خان مخالف سرسخت دخالت خارجی‌ها در امور داخلی ایران بود. وی می‌دانست که تادست‌های اجانب از ایران قطع نشود و نفوذ سفرای دول بزرگ از بین نرود، محال است مردم این سرزمین روی آسایش و سلامت و سعادت را ببینند. صدارت امیر کبیر مصادف با دورانی بود که اجتماع ایران از علم و حکمت جدید دور افتاده بود و بدیهی است که در این امر، به ویژه بی‌خبر گذاشتن مردم از دنیایی که به سرعت رو به ترقی و تکامل می‌رفت، عوامل خارجی نقش مهمی داشتند.

■ چند و چون شکل‌گیری یک سازمان مخفی
میرزاقی‌خان برای اطلاع یافتن از جزئیات امور کشتی و با خبر شدن از رفتار حکام ظالم پیشه و نظامیان با مردم، تشکیلاتی به وجود آورده بود که امروز می‌توان بر آن سازمان جاسوسی و ضدجاسوسی امیر کبیر) نام نهاد. وی برای اطلاع از کارهای دولتی‌ها و گردن‌کشان و متنفذان داخلی عده‌ای خفیه‌نویس داشت که بین پایتخت و ولایات در حرکت یا در شهرها مقیم بودند. این خفیه‌نویسان همه وقایع مربوط به مردم و عمال دولت و نظامیان و خبرهای شهرها و دهات را صادتانه برای او می‌نوشتند.

ارسال اخبار سری به وسیله جاسوسان و خبردهندگان امیر از مجرمان و قفاکاران آنقدر منظم و سریع بود که اغلب مردم معتقد به «غیب‌گویی» امیر کبیر شده بودند و اظهار عقیده می‌کردند که وی از عالم غیب اطلاع دارد و اطلاعات خود را از آنجا کسب می‌کند. تشکیلات کسب اطلاع امیر که در آن زمان به نام منهیان امیر نامیده می‌شد، آنقدر در ولایات و در دل عسאל دولت رعب و وحشت ایجاد کرده بود که در پنج نفری که دور هم جمع می‌شدند، تصور می‌کردند یکی دو نفرشان خفیه‌نویس یا عضو تشکیلات «منهیان» هستند.

«منهیان» در بین اقلیت‌های مذهبی نیز رسوخ فراوان داشتند و از کارهای آنان اطلاع حاصل می‌کردند. تا جایی که وقتی در سال ۱۲۶۷ هجری قمری (۱۸۵۰ میلادی) ملاشیخ علی یکی از رهبران فرقه بابیه تصمیم به قتل میرزا ابوالقاسم امام جمعه و هجوم به کاخ سلطنتی گرفت، بلافاصله جزئیات نقشه و توطئه او به وسیله «منهیان» به اطلاع امیر رسید و او موفق شد قبل از انجام تروار آنها را دستگیر کند و اقداماتشان را خنثی سازد. جالب‌تر از تشکیلات سازمان جاسوسی، سازمان ضدجاسوسی و تشکیلات منهیان امیر بود، اینگونه تشکیلات را در دستگاه‌های دولتی کنونی جهان سازمان (ضداطلاعات) یا (ضدجاسوسی) می‌نامند. این سازمان‌ها که دنیای قرن بیستم و دول بزرگ پایه پیشرفت نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بر روی آنها قرار داده‌اند، روزگاری به وسیله امیر کبیر به وجود آمد که سیاستمداران و جهانپان از اهمیت آن بی‌خبر بودند.

امیر کبیر برای اینکه از جزئیات اعمالی که در سفارتخانه‌ها انجام می‌گردید، مطلع شود و ضربات قاطعی به کارکنان سفارتخانه‌ها وارد کند، عده‌ای از منهیان تربیت شده را که کار ضد جاسوسان فعلی را انجام می‌دادند، روانه خدمت سفرای خارجی می‌کرد. هر یک از رجال ایران که محرمانه با سفرای انگلیس، روس و گاهی عثمانی، فرانسه و اتریش سرو سری داشتند، ضد جاسوسان امیر بلافاصله خود را ملاقات‌ها و حتی گفت‌وگوهای آنان مطلع می‌شدند. بارها اتفاقی افتاد که امیر کبیر بدین طریق از نامه‌ها و گزارش‌هایی که سفرای انگلیس و روس برای نخست‌وزیران و وزرای خارجه دول خود می‌فرستادند نیز مطلع می‌شد و حتی رونوشت آنها را داشت. چندین بار عوامل مخفی امیر، خود مأمور رساندن نامه‌های سفرای انگلیس به خراسان، هرات و گردن‌کشان داخلی می‌شدند. اینان قبل از آنکه از تهران حرکت کنند نامه‌های مزبور را به نظر رئیس خود می‌رساندند، ولی امیر کبیر به آنها دستور می‌داد که نامه را به مقصد برده و دست خاثنی که طرف مکاتبه با سفیر انگلیس است برسانند و آنگاه به دنبال آنان مأموران سری مخصوص خود را می‌فرستاد تا به محض آنکه گیرنده نامه دستورات سفیر انگلیس را اجرا کند، اعمال او را خنثی کنند و احیاناً او را دستگیر کنند و از کار برکنار سازند.

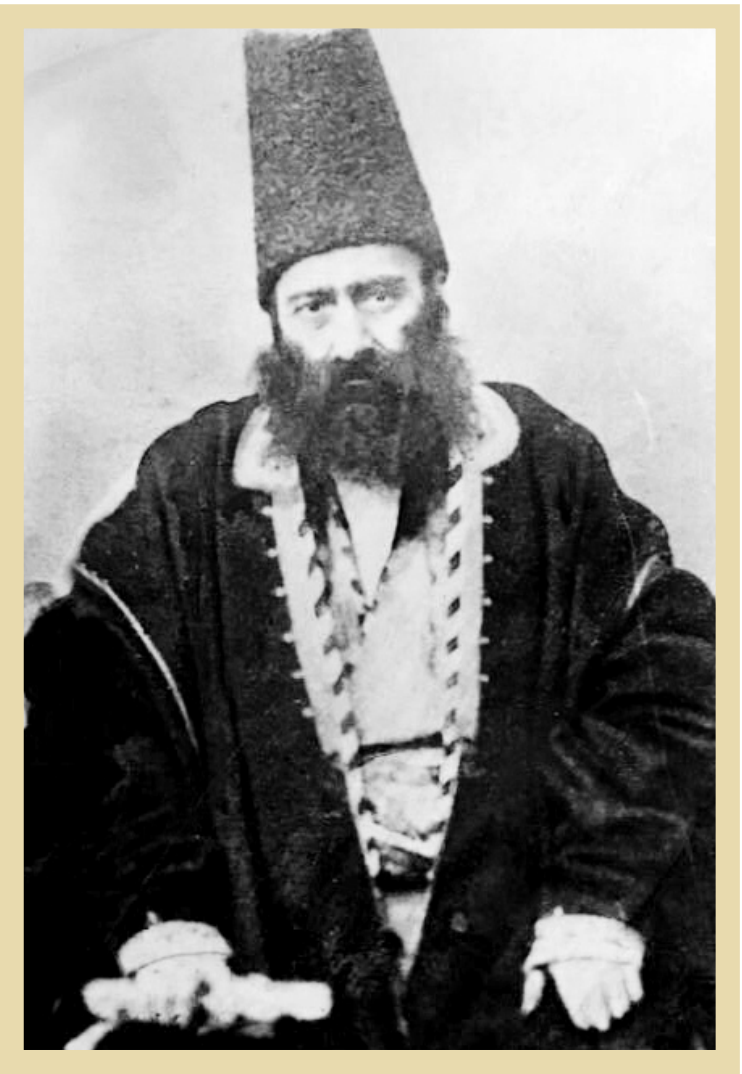
■ جاسوس امیر در سفارت روس

امیر کبیر در سفارت روس نیز جاسوس و خبردهنده‌ای داشت که مدت‌ها سبب وحشت و سرگردانی این سفارت و حتی شخص سفیر روس شده بود. سفیر روس بارها پس از تفتحص و بازدید دقیق اتاق‌های سفارت اعضای خود را در گوشه‌ای که اطمینان داشت صدای او به جایی نمی‌رسد جمع می‌کرد و با آنها درباره اوضاع مملکت ایران گفت‌وگو می‌نمود ولی روز بعد امیر که با ماجرا مطلع شده

بود، نسبت به صحبت‌هایی که در داخل درهای بسته سفارت شده بود به سفیر روس اعتراض می‌کرد و به تدریج سفیر روس و اعضای آن سفارتخانه معتقد بودند که اجنه با امیر کبیر ارتباط دارند. اینک پس از گذشت یکصد سال جاسوس امیر را در سفارت می‌شناسیم: نویسنده کتاب «نوادالامیر» چنین می‌نویسد: «یک روز پیرمردی از اهالی ایران که نایب غلامات امیر روس بود، مکتوبی از سفیر بیابرد و خواست حسب‌المعمول شخصاً به مجلس امیر نظام داخل شده و مکتوب را بدهد و جواب بگیرد یا آنکه امیر نظام مقرر فرموده بود که احدی را از ورود رو با مانع نشوند

معهداً ملازمان امیر نظام مانع ورود وی شدند. نایب به گمان اینکه او را نشانخته‌اند گفت من حامل مکتوب سفیر روس و نایب غلامات سفارت‌م و تا کنون احدی مرا از ورود بر شخص اول ایران منع ننموده و حق آن را نداشته‌است. گفتند هر که خواهی باش می‌باید پس از صدور جواب شرفیات شوی. گفت پس اجازه بگیر. ید یکی از ایشان به اتاق امیر نظام رفت و مراجعت نمود و گفت مکتوب خود را بدهدت تا برسانم که اجازه ورود ندارند. نایب با کمال اشتغنی صدا می‌زد بلند گرد و جواب یا عین مکتوب سفیر را مطالبه نمود. امیر نظام صدای او را شنید و گفت آواز کدام جسور بود. عرض کردند نوکر سفارت روس است، فرمود او را حبسش نمودند. پس از مدتی نایب را فراخواند و به او گفت از لباس و لسان تو چنین می‌فهمم که مسلمانی، گفت بلی مسلمالم، فرمود به این کبر سن و مسلمانی که باید فکر تهیه آخرت خود باشی چرا سنگ تظار را بر سینه می‌زنی؟ گفت سال هاست که نوکر سفارت‌م و چاره‌ای جز این نداشته‌ام. لکن اکنون هر قسم امر بفرمایید چنان می‌کنم. فرمود از امروز می‌باید نوکر من باشی و اوامر مرا اطاعت نمایی. عرض کرد منت دارم و از خدمت سفارت استعفا می‌دهم. گفت نخواستم از خدمت آنان کناره کنی بلکه باید همانجا باشی و به من خدمت نمایی. پس از آن فرمود همانه فلان صراف را می‌شناسی؟ عرض کردی بل من منسوب چاکر است. گفت به او توصیه می‌کنم که ماهی پنج تومان محرمانه به تو بدهد. باز پرسید که خانه تو در کجاست؟ محل خانه خویش را که نشان داد امیر فرمود در همسایگی تو فلان سید تفرشی خانه ندارد؟ معروض داشت که خانه دارد. فرمود خدمتی که باید انجام دهی فقط همین است که هر وقت طلبی در سفارت که راجع به ایران و ایرانیان است بشنوی شیانه و محرمانه که احدی از اهل خانه جویند بر سر سید می‌گویی و اگر مطلب به ثالی اظهار و افشا شود یقین بدان که حکم به قتل تو خواهم داد و اکنون من خصی که به سفارتخانه عودت کنی و بگویی که چاکران امیر نظام مکتوب سفارت را گرفته‌اند و جواب مرا به موقع دیگر وعده داده‌اند.»

راوی حکایت از معلم روسی دارالفنون نقل می‌کند که او می‌گفت: «اهالی سفارت روس می‌گفتند که ایرانیان بی‌جهت قاتل به وجود جن نیستند و می‌باید امیر نظام تسخیر جن کرده باشد و سبب این بود که سفیر روس زمانی که می‌خواست سخنی به نفع دولت متبوعه خود از ایرانیان بااجرای خویش مذاکره نماید چون پاسی از شب می‌گذشت با معدودی از محارم و یکی از آنها همین نایب غلامات بود چراغ‌ها به دست گرفته و اتاق‌های سفارتخانه و خلف ستور شیروانی‌ها



تصویری نواصف از زنده‌یاد میرزا تقی‌خان امیر کبیر

عاریخ

کفتد و گو۱۸۸۴۹۸۴۳۷

تشکیلات کسب اطلاع امیر کبیر که در آن زمان به نام «منهیان امیر» نامیده می‌شد، آنقدر در ولایات و در دل عمال دولت رعب و وحشت ایجاد کرده بود که هر پنج نفری که دور هم جمع می‌شدند، تصور می‌کردند یکی دو نفرشان خفیه‌نویس یا عضو تشکیلات «منهیان» هستند

نظری بر ساختار و کارنامه سازمان جاسوسی و ضدجاسوسی زنده‌یاد میرزا تقی‌خان امیر کبیر

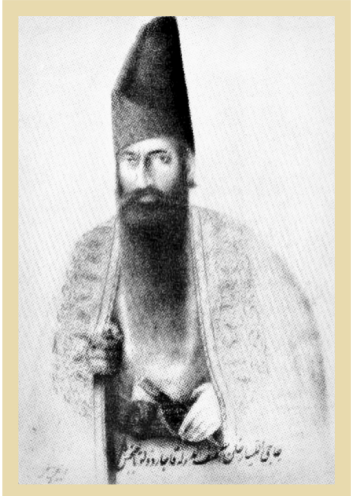
و زوایای عمارت حتی بیت‌التخلیه را کاملاً تفتیش می‌نمودند و پس از اطمینان سسخنی راجع به ایران می‌گفتند و معهداً فردای آن شب مکتوبی از امیر نظام به سفیر می‌رسید که از مطاوی آن اطلاع امیر نظام را بر مذاکرات شب می‌فهمید.

■ جاسوس امیر در سفارت انگلیس

جالب‌ترین داستانی که از سازمان ضد جاسوسی امیر کبیر در بین اسناد رسمی وزارت خارجه انگلیس وجود دارد، این است که وزیرمختار آن دولت در تهران برای رسوخ در بین خفیه‌نویسان و جاسوسان امیر کبیر متوسل به رشوه شده است.

کلنل شیل طی نامه‌ای که روز ۱۱ آگوست ۱۸۴۹ به نایب‌السلطنه هندوستان نوشته تقاضا کرده است که مبلغی در حدود ۳۰۰ لیره برای شناختن جاسوسان امیر چه در تهران و چه در ولایات مورد نیاز هیئت

ایران مشغولند، بشناسد.



عاریخالیهیز خان آصف‌الدوله

د

«منهیان» در بین اقلیت‌های مذهبی نیز رسوخ فراوان داشتند و از کارهای آنان اطلاع حاصل می‌کردند. تا جایی که وقتی در سال ۱۲۶۷ هجری قمری (۱۸۵۰ میلادی) ملاشیخ علی یکی از رهبران فرقه بابیه تصمیم به قتل میرزا ابوالقاسم امام جمعه و هجوم به کاخ سلطنتی گرفت، بلافاصله جزئیات نقشه و توطئه او به وسیله «منهیان» به اطلاع امیر رسید و او موفق شد قبل از انجام ترور آنها را دستگیر کند و اقداماتشان را خنثی سازد

■ محمدرضا کائینی



شاهرودی است. وی در میان اعضای بیت آیت‌الله شاهرودی دارای پیشینه فرهنگی و سیاسی طولانی و خاطراتی شنیدنی و معتمت است. اخیراً مرکز اسناد انقلاب اسلامی مجموعه‌ای از خاطرات وی را در قالب اثر «تداوم اندیشه» به زیر طبع آورسته و به علاقه‌مندان تقدیم داشته است.

ناشر در دیپاچه خویش بر این‌ا اثر چنین آورده است:

«پیروزی انقلاب اسلامی مروهن کادرسازی و تربیت نیروی انقلابی توسط امام خمینی و سایر روحانیت و مراجع در دوران نهضت اسلامی است.انتقال امام خمینی از ترکیه به عراق مجالی فراهم آورد که ایشان صورانه انگیزه‌ها و اهداف نهضت را در حوزه نجف بیان کنند و به تربیت نیروهای انقلابی بپردازند. آغاز درس ولایت‌فقیه امام در این دوران نقطه عطفی در روند نهضت اسلامی بود که پایه‌های تئوریک نظام اسلامی را بعد از پیروزی انقلاب بی‌ریزی نمود. در میان مراجع نجف آن که بیشتر از همه شیفته و هوادار امام خمینی شد، آیت‌الله شهید محمدباقر صدر بود که به گفته خود ذوب در امام خمینی بود. او نیز با نگاشتن کتاب‌های اقتصادی و فلسفتنا در پی تبیین ابعاد اقتصادی، اجتماعی



▼ آیت‌الله سید عبدالهادی شاهرودی

و سیاسی اسلام برآمد. شاگردان وی که یک چند در عراق با روی کار آمدن حزب بعث با آن در ستیز بودند، با انتقال امام به عراق با نهضت اسلامی بیشتر آشنا شدند. در این میان خاندان آیت‌الله شاهرودی از همه بارزتر است. آیت‌الله شاهرودی از مراجع بزرگ شیعه در عراق بود که مقلدان زیادی نیز در ایران داشت. ایشان از امام دفاع می‌کرد و در مقابل اقدامات رژیم بعث و حکومت پهلوی مقاومت می‌نمود. راوی خاطرات پیش‌رو آیت‌الله سید عبدالهادی شاهرودی نوه آیت‌الله شاهرودی بزرگ است که با اوچگیری مبارزات علیه رژیم بعثی در عراق به توصیه شهید صدر به انتقال و عراق که حامل پیامی از سوی شهید صدر به امام موسی صدر بود، پس از انجام وظیفه به ایران آمد و به پیروزی انقلاب اسلامی مدد رساند. تلاش‌های او چه در ایران و انقلاب و چه پس از پیروزی در تبیین ابعاد مختلف نظام اسلامی و پایه نظری آن محل دقت و توجه است. آیت‌الله شاهرودی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در دوران دفاع‌مقدس به جریان پاسداری و حراست از نظام اسلامی پیوست و اقدامات عدیده‌ای در کمک‌رسانی به رزمندگان اسلام داشت. ایشان در مقام امامت جمعه شهرستان علی‌آباد کنول منشأ خدمات مفیدی شد که در پیشبرد اهداف نظامی اسلامی تأثیر داشت. تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی علی‌آباد یکی از این اقدامات است. ایشان دارای تألیفات زیادی درباره پایه‌های تئوریک نظام اسلامی و مسائل و مشکلات مبتلا به روزنامه مردم است که می‌توانند در تربیت نسل جوان و مؤمن و تحقق حیات طیبه مفید باشند.»

آیت‌الله سید عبدالهادی شاهرودی راوی خاطرات نیز در یادداشتی بر این اثر نکات ذیل را یادآور شده است: «روحانیت گرانقدر شیعه، علما و مراجع تقلید، همواره در طول تاریخ به پیروی از

۹جوان |شماره ۵۷۷۲

پیش‌خواب

نظری بر اثر تاریخی – روایی

خاطرات آیت‌الله سیدعبدالهادی شاهرودی

خاندان شاهرودی در بستر مبارزه

پیامبراکرم (ص) و امامان معصوم(ع) ضمن تلاش و کوشش در تحقیق و استنباط و استحصال و استخراج معالم دستورها با آموزه‌های دینی از منابع مورد اعتماد آن (قرآن ، سنت و حدیث) و ضمن آماده‌سازی و تبلیغ این آموزه‌های گرانسنگ همواره مصالح مسلمانان و جهان اسلام را مدنظر قرار داده و در سمت آن تلاش و کوشش نموده‌اند و هیچ‌گاه، احدی از آنان لحظه‌ای در این مسئله فروگذار نکرده است ولی با اختلاف و تغییر زمان و مکان و نیز با اختلاف و موقعیت و جایگاه اجتماعی خود و امکان توان تأثیرگذاری، هر یک به شکلی و به نوعی با مسائل اجتماعی و سیاسی و حوادث واقعه، بر خوردر کرده‌اند و در هر زمان حداکثر حفظ منافع و مصالح اسلام و اسلامیان و جامعه اسلامی را منظور کرده‌اند.

زندگی پیامبراکرم(ص) و امامان معصوم(ع) را که مدنظر قرار دهیم فراز و نشیب قابل توجهی در آن خواهیم دید. پیامبراکرم(ص) روزی برای انجام رسالت خود جمعی را بر سر سفره خود دعوت می‌نماید و روزی به تنهایی به طائف می‌رود و نیز ششی از شهر و دیار و وطن خود فراری می‌شود و متقابلاً روزی دیگر با لشکری انبوه به عزم فتح مکه جهت جنگ با مشرکان رهسپار می‌شود. امامان معصوم(ع) را که در یک زنجیره و یک سلسله مراتب و به هم پیوسته نگاه می‌دارند، خواهیم دید روزی به گوشه‌نشینی و پرداختن به باغ‌داری و حفر قنوات پرداخته و تنها به مشورت دادن سیاسی و رفع مشکلات فقهی و عقیدتی اکتفا کرده و روزی به جنگ و روزی به صلح تن داده و روزی در صحنه جانبازی و اسارت حضور یافته و روزی در تبعید و زندان یا در کنترل مأموران حکومتی و زیر نظر به سر برده و گاه



در مجاورت کاخ حکومت یا حضور در کاخ هدف عالی الهی خود را تعقیب کرده‌اند. علمای اسلام و پیروان هدایتگر آنان، مراجع و مجتهدان و بزرگان دین به متابعت و پیروی از آن بزرگواران گاه به حفظ منابع هدایت حکام داخل و خارج و معارف ناب اسلام و گاه به تأسیس حوزه‌های علمیه پرداخته و گاه برای بیرون راندن اشغالگر خارجی و مهاجم فتوای جنگ مسلحانه داده و گاه به راهبر اعراب از فرهنگ و معارف ناب اسلام خنجینه‌های قریهنگ و مبارزه با آنان برخاسته‌اند و نیز گاهی در قالب مصلحی بزرگ، اسلام و مذهب تشیع خود را مخفی کرده‌اند. در برابر صهیونیست، از اعراب و در برابر اعراب از حکومت پیر واهل بیت(ع) حمایت کرده تا آنجا که همزمان از حوزه نجف سه فتوا صادر شده و سه جبهه را فعال کرده است: جبهه ایران را در برابر روس و عراق را در برابر انگلستان و جبهه سرزمین لیبی را در برابر ایتالیا. و بالاخره گاه شیخ‌الاسلامی کشور را پذیرفته و گاه بالای دار را ترجیح می‌دهند.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی که یکی از برکات انقلاب شکوهمند مردم ایران به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) است و در حیات آن بزرگوار شکل گرفته و پس از رحلت آن بزرگوار، و خلف صالح اندیشمند و فرهیخته آیت‌الله خامنه‌ای(دام‌طله‌العالی) با قوت و قدرت به راه خود ادامه داده و با دقت و ژرف‌نگری و واقع‌بینی و با کمال امانت همواره سعی بر شناخت واقعی علما، مراجع، بزرگان دین و جریان‌ات تاریخی داشته‌است. کتاب تداوم اندیشه بر اساس نوارهای صوتی درباره زندگی و فعالیت‌های اینجانب، توسط آقای حاج‌الاسلام شیخ بنیامین شیرخاوسی تدوین و تنظیم گردیده است. «